

نشانه مطابقه مفعولی در فارسی¹

محمد راسخ مهند

(استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

rasekh@basu.ac.ir

چکیده

در کتابهای دستور، ضمائر مفعولی را به دو دسته ضمائر منفصل و متصل تقسیم کرده اند و آورده اند که ضمیر متصل مفعولی به فعل اضافه می شود و جای مفعول مستقیم را می گیرد:

دیدمش = او را دیدم

دیدمان = ما را دید.

در این مقاله سعی کرده ایم نشان دهیم آنچه به آن ضمائر متصل مفعولی گویند (م، ت، ش، مان، تان، -شان)، در واقع نه ضمیر مفعولی، بلکه نشانه مطابقه مفعولی [object agreement marker] هستند؛ یعنی همانطور که شناسه های فاعلی به عنوان نشانه های مطابقه فاعلی، مطابقت میان فاعل و مفعول را نشان می دهند، شناسه های مفعولی نیز در واقع نشانه های مطابقه ای هستند که مطابقت میان فعل با مفعول را نشان می دهند. در عین حال تصریح کرده ایم که نشانه های مطابقه فاعلی، یا همان شناسه ها، در فارسی اجباری هستند و حذف آنها جمله را بدساخت می کند، اما نشانه های مطابقه مفعولی سازه هایی اختیاری هستند که می توان بدون هیچ اشکالی در ساخت دستوری جمله، آنها را از جمله حذف کرد. در این مقاله برای اثبات ادعای خود از استدلالهای نحوی گوناگونی مانند مرجع گزینی، نشان دار کردن هسته، پی بست-ش به جای شناسه، ضمیر + "را" در فارسی، و ضمائر تکراری استفاده کرده ایم.

کلیدواژه ها: پی بست، مطابقه مفعولی، مرجع گزینی، ضمائر تکراری

1 مقدمه

اسپنسر (1997 ص 384) می گوید برخی نشانه های مطابقه در زبانهای مختلف ابتدا واژه بست بوده اند و سپس به وند تبدیل شده اند. نشانه های مطابقه معمولاً مطابقه شخص، شمار و جنس را میان فعل و فاعل یا مفعول نشان می دهند. شقاقی (1382 گفتگوی شخصی) نیز عنوان کرده که شناسه های فارسی ابتدا به صورت واژه بست بوده اند و سپس ویژگیهای وند را به خود گرفته اند. در این مقاله می خواهیم بگوییم پی بسته های مفعولی فارسی (م، ت، ش، مان، تان و -شان) برخلاف تصور بسیاری از دستورنویسان نقش ضمیر متصل ندارند (خانلری 1363، خیامپور 1372، قریب و دیگران 1368، انوری و احمدی 1374، جهان پناه 1380)، بلکه مانند شناسه ها نشانه مطابقه هستند، اما برخلاف شناسه ها که نشانه مطابقه فاعلی هستند، این پی بسته ها نشانه مطابقه مفعولی می باشند.

¹پیش نویس مقاله حاضر را دوست و همکار بزرگوارم آقای دکتر امید طبیب زاده خواندند و نکاتی را متذکر شدند. از ایشان بسیار سپاسگزارم.

پی بسته‌های مفعولی فارسی از جمله تکواژهای وابسته ای هستند که دارای توزیع گوناگونی می باشند. این پی بسته‌ها می توانند پس از فعل، حرف اضافه و اسم ظاهر شوند. مثالهای (1) این توزیع گوناگون را نشان می دهد.

(1) الف. دیدمش.

ب. ازش پول قرض گرفتم.

ج. کتابش را خواندم.

در مثالهای فوق این پی بسته‌ها به جای ضمائر آزاد به کار رفته اند. اما آنها می توانند همراه ضمیر آزاد یا اسم هم مرجع خویش نیز به کار روند. مثالهای (2) نمونه ای از این موارد است.

(2) الف. او / علی / دوستم را دیدمش.

ب. او / احمد / دوستم را ازش پول قرض گرفتم.

ج. او / احمد / دوستم را کتابش را خواندم.

مثالهای شماره (2) در فارسی محاوره ای کاربرد دارند اما در فارسی نوشتاری و رسمی به کار نمی روند. موضوع مورد بحث این مقاله بررسی ویژگیهای نحوی پی بسته‌های مفعولی است. در واقع سعی بر این است که (الف) مشخص شود آیا واقعاً ضمیر پی بسته و آزاد در توزیع تکمیلی هستند و دقیقاً به جای هم به کار می روند، (ب) حضور پی بسته مفعولی در جایگاه مفعول تابع چه شرایط نحوی است و آیا آن گونه که گفته می شود این پی بسته‌ها ضمیر مفعولی متصل هستند یا خیر، و حضور همزمان ضمائر پی بسته و آزاد مانند مثالهای (2) چه ویژگیهای نحوی دارد. در این مقاله در بخش (2) به بررسی توزیع ضمائر آزاد و پی بسته پرداخته شده و نشان داده ایم که توزیع این دو نوع ضمیر یکسان نمی باشد؛ بخش (3) به ویژگیهای نحوی پی بسته‌های مفعولی پرداخته و نشان می دهد این پی بسته‌ها چه شباهتهایی با شناسه داند و سعی در تایید این مدعا دارد که آنها نشانه مطابقه مفعولی هستند. بخش (4) نتیجه گیری مباحث است.

2 توزیع ضمائر آزاد و پی بسته

ضمائر پی بسته در سه جایگاه مختلف در فارسی به کار می روند: جایگاه مفعول مستقیم، پس از اسم در ساخت ملکی و بعد از حرف اضافه. دقت در جملات زیر مشخص می سازد محل حضور ضمائر آزاد و پی بسته در نقش مفعول کاملاً یکسان نیست.

(3) الف. دیدمش.

ب. * دیدم علی / او / مرد.

ج. او / علی را دیدم.

د. دیدم او / علی را.

در (3) الف ضمیر پی بستی پس از فعل آمده، اما حضور اسم خاص، ضمیر و اسم عام پس از فعل در (3) ب باعث نادستوری شدن ساخت گردیده است، در حالی که حضور "را" پس از اسم خاص و اسم نکره مشخص در (3) ج و د به دستوری شدن جمله انجامیده است. پس اولین تفاوتی که در اینجا می توان مشاهده کرد این است که پس از ضمیر پی بستی در نقش مفعول امکان حضور "را" وجود ندارد، در حالی که پس از ضمیر آزاد، اسامی خاص و مشخص حضور "را" الزامی است. در واقع می توان گفت با حضور پی بسته های مفعولی امکان حضور "را" وجود ندارد که این نکته در بخش (3-5) بحث شده است. محل حضور واژه بست در فارسی، مانند بسیاری زبانهای دیگر، مشخص و تغییر ناپذیر است، به همین دلیل پی بسته های مفعولی بعد از فعل واقع می شوند در حالی که ضمائر آزاد و اسامی در نقش مفعول در حالت بی نشان قبل از فعل واقع می شوند. نکته دیگری که در مورد تفاوت ضمائر مفعولی پی بستی با صورتهای دیگر مفعول می توان بیان داشت این است که صورتهای آزاد را می توان در ساخت همپایه آورد (4 الف)، اما پی بسته های مفعولی را نمی توان در ساخت همپایه قرار داد (4 ب).

(4) الف. او و تو را دوست دارم.

ب. * دوستت و ش دارم.

جایگاه دوم ضمائر پی بستی در ساخت ملکی است که مثالهای شماره (5) نشان دهنده آنها:

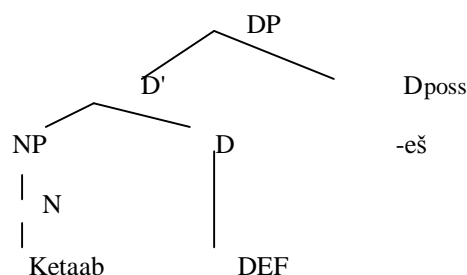
(5) الف. کتابش را خواندم.

ب. کتاب او را خواندم.

ج. کتاب خواندم.

د. * کتابش خواندم.

توزیع این دو گونه از ضمائر در ساخت ملکی یکسان است و نادستوری بودن جمله (5) د به این دلیل است که ساخت ملکی معرفه است و حضور "را" در این حالت در جایگاه مفعولی لازم است. قمیشی (1996 ص 157) اظهار می دارد که اگر بخواهیم در این جملات بر ضمیر تاکید کنیم، ضمیر حتماً باید ضمیر آزاد باشد. به این ترتیب نمودار (1) به نقل از قمیشی (1996 ص 156) به این معنی است که حضور ضمیر پی بستی در ساخت ملکی به این دلیل ممکن است که آن ساخت معرفه است.



توزیع ضمائر پی بستی پس از حروف اضافه مانند ضمائر آزاد است و در اینجا به آن اشاره نمی شود. زوئیکی (1977) تمایز میان واژه بست ساده و ویژه را در این می داند که اولی صورت کوتاه شده آوایی یک واژه کامل است درحالی که دومی دارای توزیع کاملاً مشابه با صورت کامل خویش نیست و در برخی موارد نیز اصولاً صورت کاملی ندارد. ازینرو می توان گفت پی بستهای ضمیری در فارسی در طبقه وایه بست ویژه قرار می گیرند (شقاقی 1376). در مجموع می توان گفت ضمایری بستی در سه نقش مفعول، ملکی و مفعول حرف اضافه در فارسی کاربرد دارند. ادامه بحث این مقاله معطوف به نقش مفعولی ضمائر پی بستی است که در ادامه به آن می پردازیم.

3 ویژگیهای نحوی پی بستهای مفعولی

از میان سه جایگاه ضمائر پی بستی در نقش ملکی، مفعول حرف اضافه ای و مفعول مستقیم؛ در ادامه مقاله به نقش سوم می پردازیم و ویژگیهای نحوی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. در این بخش با استفاده از معیارهای نحوی مختلف به این نتیجه می رسیم که پی بستهای مفعولی در فارسی آن گونه که قبلاً تصور می شده، ضمیر نیستند و در واقع نشانه مطابقه مفعولی هستند. به بیان ساده تر نقشی که شناسه در رابطه با مطابقه فاعل و فعل دارد، پی بست مفعولی در رابطه با مطابقه مفعول و فعل دارد. البته باید این نکته را در نظر داشت که نشانه مطابقه فاعلی در فارسی اجباری است اما نشانه مطابقه مفعولی اختیاری است. در ادامه استدلالهای نحوی برای ثابت کردن این فرضیه ارائه می شود. اما قبل از پرداختن به معیارهای نحوی ذکر یک نکته آوایی نیز لازم است. شناسه ها به عنوان نشانه مطابقه فاعلی در فارسی تکیه نمی گیرند، در حالی که بسیاری از وندهای تصریفی فارسی مانند پسوند جمع، می توانند تکیه بگیرند. از طرفی پی بستهای مفعولی نیز تکیه نمی گیرند و این مشابهت آوایی نیز می تواند دلیلی باشد بر اینکه آنها هم مانند شناسه ها نشانه مطابقه هستند.

3-1 مرجع گزینی

استدلال نخست نحوی برای اثبات این نکته که پی بستهای مفعولی ضمیر متصل نیستند بلکه نشانه مطابقه مفعولی هستند را با اشاره به اصول مرجع گزینی آغاز می کنیم. سه اصل مرجع گزینی زیر برای تعبیر ضمائر انعکاسی یا مرجعواره ها [anaphors]، ضمائر شخصی و عبارتهای اسمی به کار می روند:

الف. اصل اول مرجع گزینی: ضمائر انعکاسی حتماً باید در محدوده حاکمیت خویش دارای مرجع باشند.

ب. اصل دوم مرجع گزینی: ضمائر شخصی باید در محدوده حاکمیت آزاد باشند و دارای مرجعی نباشند.

ج. اصل سوم مرجع گزینی: عبارتهای اسمی همیشه و در هر محدوده ای آزاد هستند.
اگر پی بسته‌های مفعولی ضمیر باشند، باید تابع یکی از اصول اول یا دوم مرجع گزینی باشند.
جملات (6) را در نظر بگیرید.

(6) الف. دیروز دیدمش.

ب. دیروز علی را دیدمش.

در (6) الف پی بست مفعولی به مرجع آشکاری درون جمله اشاره نمی کند و از این حیث در طبقه ضمائر شخصی قرار می گیرد و تابع اصل دوم مرجع گزینی است. اما این حالت در جمله (6) ب دیده نمی شود، زیرا در این موارد پی بست مفعولی هم مرجع با مفعول آشکار جمله یعنی "علی" است. در واقع به نظر می رسد پی بسته‌های مفعولی رفتاری دوگانه دارند، هم می توانند در محدوده جمله آزاد باشند و هم در این محدوده مقید باشند. نتیجه ای که از این بحث می توان گرفت این است پذیرفتن پی بسته‌های مفعولی به عنوان ضمیر با اصول مرجع گزینی همراستا نیستند. یعنی اگر پی بسته‌های مفعولی را مفعول جمله در نظر بگیریم، این مفعولها گاهی بر اساس اصل اول و گاهی بر اساس اصل دوم مرجع گزینی تعبیر می شوند که برخلاف اصل مرجع گزینی است.

برای حل این مسئله فرض می کنیم که پی بسته‌های مفعولی ضمیر نیستند، بلکه نشانه مطابقه مفعولی اند. یعنی همان نقشی که شناسه برای نشان دادن مطابقه فاعلی بازی می کند، همان نقش را پی بسته‌های مفعولی برای مطابقه مفعولی بازی می کنند. برای اثبات این فرض، باید شباهتهایی میان شناسه و پی بست مفعولی به دست دهیم که نشان دهد هر دو گروه ضمیر نیستند و نشانه مطابقه هستند. در همین بخش مشخص شد که هیچ اصل مرجع گزینی حاکم بر تعبیر پی بسته‌های مفعولی نیست، به عبارتی پی بسته‌های مفعولی ضمیر نیستند. اکنون باید ببینیم آیا اگر شناسه ها را ضمیر فاعلی فرض کنیم، کدام اصل مرجع گزینی آن را تعبیر می کند. مثالهای (7) امکان بررسی این فرض را به ما می دهد.

(7) الف. رفتم.

ب. من رفتم.

در (7) الف شناسه مرجع آشکاری ندارد و از این رو تابع اصل دوم مرجع گزینی است، در حالی که در (7) ب مرجع آن فاعل آشکار جمله است و تابع اصل اول مرجع گزینی است. پس شناسه ها نیز مانند پی بسته‌های مفعولی تابع اصول مرجع گزینی نیستند. پس اگر به درستی فرض کنیم که شناسه ها نشانه مطابقه فاعلی هستند و نیازی به پیروی از اصول مرجع گزینی ندارند، آنگاه تناقض موجود در جملات (7) معنی ندارد. به همین ترتیب می توان فرض کرد پی بسته‌های مفعولی نشانه مطابقه مفعولی هستند، به همین دلیل نیز تابع اصول مرجع گزینی نیستند و تناقض موجود در مثالهای (6) نیز معنی ندارد. به بیان دیگر آنها در هیچ یک از طبقات سه گانه مطرح در مورد اصول مرجع گزینی جای ندارند، بنابراین لزومی ندارد که اصل خاصی از اصول سه گانه مرجع گزینی بر تعبیر آنها حاکم باشد.

در ادامه همین بحث فرض می‌کنیم هم مفعول و هم فاعل در جملات (6) الف و (7) الف ضمیر انتزاعی [pro] باشد. ضمیر انتزاعی عنصری است که نمود آوایی ندارد ولی دلایل نحوی برای وجود آن در دست است. یعنی در آن صورت تعبیر ضمائر مفعولی و فاعلی در حالت انتزاعی باید یکسان باشد، که با اثبات آن مشخص می‌شود شناسه و پی بست مفعولی دارای نقش یکسانی می‌باشند و چون پذیرفته شده که شناسه مطابقه فاعلی را نشان می‌دهد، پس باید بپذیریم که پی بست مفعولی هم مطابقه مفعولی را نشان می‌دهد. قمشی (1996 ص 180) به نقل از هاشمی پور (1989) می‌گوید ضمیر انتزاعی در فارسی با اصل دوم مرجع‌گزینی تعبیر می‌شود یعنی نوعی ضمیر به حساب می‌آید. این تعبیر هم در مورد ضمائر فاعلی و مفعولی محذوف فارسی درست است.

3-2 نشاندار کردن هسته

استدلال دوم نحوی را با استفاده از یک تقسیم‌بندی رده‌شناختی ارائه می‌کنیم. زبانها را می‌توان بر اساس اینکه در هر گروه نحوی چه عنصری را نشاندار می‌کنند به دو رده تقسیم کرد؛ گروهی که هسته را نشاندار می‌کنند [head-marking] و گروهی که وابسته را نشاندار می‌کنند [dependent marking] (تالرمین 1998، فصل 4). به عنوان مثال در ساختهای ملکی که اسم مالک وابسته و اسم مملوک هسته است، انگلیسی وابسته را نشاندار می‌کند و به آن [s] اضافه می‌کند (10) الف، درحالی که فارسی هسته را نشان‌دار می‌کند و کسره اضافه را با آن اضافه می‌کند مانند (8) ب.

8. a. Jack's book

b. ketaab-e Ali

به عنوان مثالی دیگر فارسی در ساخت موصولی نیز هسته را نشان‌دار می‌کند و -ی تخصیص نکره را به هسته بند موصولی اضافه می‌کند. مثال (9) این مورد را نشان می‌دهد.

(9) مردی که دیروز در خیابان دیدم معلم سابق من بود.

همچنین فارسی در برخی گروههای حرف اضافه‌ای نیز حرف اضافه را با کسره اضافه نشاندار می‌کند که هسته گروه حرف اضافه‌ای است، مانند مثال (10).

(10) روی میز / کنار در

با این تفاسیر، اگر فرض شود که هسته جمله فعل است و فاعل و مفعول وابسته هستند، باید ببینیم در فارسی چه بخشی از جمله نشاندار می‌شود. مثالهای (11) نشان می‌دهند که در جملات هسته، یعنی فعل، نشاندار می‌شود و این نشانداری را شناسه برای مطابقه فاعل و پی بستهای مفعولی برای مطابقه مفعول انجام می‌دهند.

11. a. man Ali raa did-am-eš

b. zad-am-eš

برای مقایسه مثالی از تالرمن (1998 ص 109) از زبان تیوای جنوبی می آوریم که در آن فعل به عنوان هسته نشاندار شده است.

12. a. Wisi seuan-in **bi**-mu-ban.
Two man-PL 1SG:su-see-PAST
"I saw two men"

b. **Bey**-mu-ban
2SG:SU/1SG:OBJ-see-PAST
"you saw me"

پس با این مباحث می توان نتیجه گرفت که از حیث نشاندار کردن فعل نیز پی بست مفعولی رفتاری شبیه به شناسه دارد، فقط شناسه فاعل را در هسته فعلی نشان می دهد اما پی بست مفعولی مفعول را نشان می دهد. و این پی بستها رفتاری مانند ضمیر ندارند.

3-3 پی بست _ش به جای شناسه

در فارسی محاوره ای امروز ساختی مانند مثالهای (13) دیده می شود.
(13) الف. علی رفتش.

ب. نازنین گفتش دیر می آد.

در این جملات پی بست _ش به کار رفته است، اما نقش مفعولی ندارد و در جمله (13) الف نمی تواند حتی نقش مطابقه مفعولی داشته باشد زیرا فعل جمله لازم است. از طرفی تنها پی بست که این کاربرد را دارد نشانه مفعولی سوم شخص مفرد است و دیگر پی بستهای مفعولی در این جایگاه کاربرد ندارند. دلیل وجود این ساختها این است که در فارسی شناسه سوم شخص مفرد در زمان گذشته صفر است و نمود آوایی ندارد، و سخنگویان در زبان محاوره این پی بست مفعولی را به جای شناسه سوم شخص مفرد به کار می برند. و این دلیل دیگری بر شباهت میان شناسه و پی بستهای مفعولی است. این جملات به مفعول نیاز ندارند و پی بست مفعولی برای نشان دادن مطابقه فاعلی به کار می رود. (در مورد کاربردهای دیگر _ش در فارسی امروز نک جهان پناه 1380 صص 30-32).

3-4 ضمیر + را در فارسی

هر گاه در فارسی ضمیر در نقش مفعولی به کار رود حتما پس از آن وجود "را" الزامی است و در غیر این صورت جمله نادرستی خواهد شد. مثالهای (14) این نکته را نشان می دهند.
(14) الف. او را دیدم. / * او دیدم.

ب. تو را زد. / * تو زد.

اما وقتی پی بست مفعولی پس از فعل به کار می رود، اصلا نیازی به حضور "را" نیست و وجود آن باعث نادرستی شدن ساخت می گردد. مثالهای (15) این حالت را نشان می دهند.

(15) دیدمش. / * دیدمش را.

زدیتش. / * زدیتش را.

پس می توان نتیجه گرفت پی بسته‌های مفعولی رفتاری برعکس ضمائر دارند و نمی توان آنها را ضمیر متصل فرض کرد.

3-5 ضمائر تکراری

ضمائر تکراری [resumptive] ضمائری هستند که به جای هسته بند موصولی می آیند. در برخی ساختها وقتی اسمی به عنوان هسته بند موصولی انتخاب می شود، جای آن خالی می ماند ولی در برخی زبانها این جای خالی با ضمیر تکراری پر می شود. مثال (16) نمونه ای از ساخت موصولی در انگلیسی است که در آنها هسته و اثر [trace] هم نمایه هستند و ضمیر تکراری در آنها به کار نرفته است.

16. a. **The book** which I bought **t** was on syntax.
b. **The boy** who **t** was playing in the yard is my brother.

در (16) الف هسته بند موصولی مفعول و در (16) ب هسته بند موصولی فاعل است و هر دوی آنها با اثر هم نمایه هستند.

اکنون با بررسی مثالهای (17)، (18)، (19) و (20) به بندهای موصولی در فارسی می پردازیم. اثر عنصر حرکت داده شده را با خط تیره نشان داده ایم.

(17) الف. **مردی** که -- سوار ماشین شد.

ب. * **مردی** که او سوار ماشین شد. (هسته بند موصولی فاعل است)

(18) الف. * **مردی** که از - پول گرفتم.

ب. **مردی** که از او پول گرفتم.

ج. **مردی** که ازش پول گرفتم. (هسته بند موصولی مفعول حرف اضافه است)

(19) الف. * **مردی** که کت - مشکی است معلم است.

ب. **مردی** که کت او مشکی است معلم است.

ج. **مردی** که کتش مشکی است معلم است. (هسته بند موصولی ساخت ملکی است)

(20) الف. **مردی** که - دیدی معلم است.

ب. **مردی** که او را دیدی معلم است.

ج. **مردی** که دیدیش معلم است.

د. **مردی** که او را دیدیش معلم است. (هسته بند موصولی مفعول مستقیم است)

مجموع احتمال حضور اثر و ضمیر تکراری در بندهای موصولی فارسی را در جدول (1) آورده ایم.

هسته بند موصولی	فاعل	مفعول حرف اضافه ای	ساخت ملکی	مفعول مستقیم
-----------------	------	--------------------	-----------	--------------

حضور اثر	بله (17 الف)	خیر (18 الف)	خیر (19 الف)	بله (20 الف)
حضور ضمیر تکراری	خیر (17 ب)	بله (18 ج)	بله (19 ج)	بله (20 ب و ج)

جدول (1)

همانگونه که با مراجعه به مثالها و بررسی جدول (1) ملاحظه می شود، اثر و ضمیر تکراری در سه گونه از چهار گونه بندهای موصولی مطرح شده در فارسی در توزیع تکمیلی قرار دارند، یعنی یا اثر امکان حضور دارد مانند زمانی که هسته بند موصولی فاعل است (مثال 17)، یا ضمیر تکراری باید حضور داشته باشد مانند زمانی که هسته بند موصولی مفعول حرف اضافه ای یا ساخت ملکی است (مثالهای 18 و 19). تنها در یک مورد این تناسب به هم می خورد و آن زمانی است که مفعول مستقیم هسته بند موصولی است (مثال 20). دقت در مثال (20) نشان می دهد که حضور پی بست مفعولی پس از فعل ارتباطی به حرکت هسته بند موصولی ندارد، زیرا در این جمله به جای عنصر حرکت کرده ضمیر تکراری "او" آمده است و پی بست مفعولی -ش نمی تواند ضمیر تکراری باشد، زیرا به طور همزمان هسته بند موصولی نمی تواند از دو مکان حرکت کرده باشد. پس نتیجه می گیریم در این ساختها نیز پی بستهای مفعولی نقش مطابقه مفعولی دارند و نباید از آنها به عنوان ضمیر تکراری نام برد.

3-6 شواهد از زبانهای دیگر

اوהالا (1999 ص 373) به نقل از رابرتز و اشلونسکی (1995) می گوید مقایسه واژه بستها در زبانهای سامی عربی و عبری از یک سو و زبانهای رومیایی از سوی دیگر نشان می دهد که واژه بستهای زبان عربی و عبری را می توان نشانه های مطابقه مفعولی دانست که حاصل حرکت نحوی نیستند و در پایه تولید می شوند. آنها به برخی ویژگیهای این واژه بستها اشاره می کنند مثلاً اینکه همیشه پی بست هستند و در هر کلمه نمی توان بیش از یک واژه بست مفعولی داشت. مثالهای (21) از اوהالا (1999 ص 374) از عربی است.

21. a. ra'a – w – **hu**
saw – 3PL him
They saw him.

b. sallamula 'alay – **hi**
greeted – 3PL him
They greeted him.

رابرتز و اشلونسکی (1995) نتیجه می گیرند که به اصطلاح پی بستهای ضمیری در عربی و عبری در واقع نشانه های مطابقه مفعولی هستند و مفعول جمله ضمیر انتزاعی است.

4 جمع بندی

شواهد و استدلالهای ارائه شده در این مقاله برای این بود که نشان دهیم در فارسی مطابقه مفعولی وجود دارد. البته اینکه چرا به جای اینکه بگوییم دیدمش می گوییم علی را دیدمش مسئله ای کلامی است، درست مانند اینکه به جای اینکه بگوییم رفتم می گوییم من رفتم. یعنی زمانی که می توان به دلیل وجود نشانه مطابقه فاعلی و مفعولی، ضمائر فاعلی و مفعولی را حذف کرد ولی این کار را انجام نمی دهیم، باید به دنبال علت کلامی گشت. البته این به آن معنی نیست که دلایل کلامی حذف نشدن فاعل و مفعول در این جملات کاملاً یکسان است، ولی نکته ای که مهم است به دلیل وجود نشانه مطابقه فعل و مفعول، حذف این نقشهای دستوری در این جملات ممکن است. شاید نگرستن به پی بستهای مفعولی از این منظر بتواند در تحلیلهای آینده از ساختهای مختلف فارسی موثر افتد.

فهرست منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (1374) دستور زبان فارسی 2، ویرایش دوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات فاطمی.
- جهان پناه، سیمین دخت (1380) "ضمیر متصل -ش و داشتن، دو گرایش تازه در زبان فارسی"، مجله زبانشناسی، سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی 31، صص 19-43.
- خانلری، پرویز (1363) دستور زبان فارسی، تهران، طوس.
- خیامپور، عبدالرسول (1372) دستور زبان فارسی، تبریز، کتابفروشی تهران.
- شقاقی، ویدا (1376) "واژه بست چیست؟"، مجموعه مقالات سومین همایش زبانشناسی، به کوشش محمد دبیرمقدم و یحیی مدرسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (1368) دستور زبان فارسی، پنج استاد، چاپ ششم. تهران، سازمان انتشارات اشرافی.

Ghomeshi, Jila (1996) Projection and Inflection: a study of Persian phrase structure. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Toronto.

Haegeman, L. and J. Gueron (1999) *English Grammar, a Generative Perspective*, Blackwell Publishers.

Hashemipor, Margaret M. (1989) Pronominalization and control in modern Persian, Ph.D. dissertation, University of California at San Diego.

Ouhala, Jamal (1999) *Introducing Transformational Grammar*, 2nd ed. Arnold.

Spencer, Andrew (1991) *Morphological Theory, an introduction to word structure in Generative Grammar*. Blackwell Publishers.

Zwicky, A. (1977) *On Clitics*. Blomington: IULC.

Zwicky, A. (1985) “ Clitics and Particles”. *Language*, 61,283-305.

Zwicky, A. and G. Pullum (1983) “ Cliticization verses Inflection: English *n't*.”, *Language*, 59, 502-13.